

موزه‌های مردم‌شناسی

ترجمه و اقتباس اصغر کریمی
مرکز مردم‌شناسی ایران

ژرژ-هانری ریویر

در اروپای نیمه قرن نوزدهم، انقلاب صنعتی گام‌های خود را سریع تر کرده، قلمرو دانش را وسعت روز افزون بخشید. انقلاب صنعتی به دلیل ماهیت خود گسترش استعماری عظیمی به همراه داشت که اولین ضربه را به فرهنگهای سنتی و بومی زد. واکنش این عمل استعماری در بین ملت‌های اروپائی به شکل‌های ملی‌گرائی یا منطقه‌گرائی بروز کرد و به مردم‌شناسی، که قلمرو مطالعات آن همه شئون زندگی مادی و معنوی یعنی کل فرهنگ را در بر می‌گیرد، امکان وارد شدن به یک قلمرو وسیع تحقیق را داد که حاصل این تحقیق سود علمی باروری است که عاید علم مردم‌شناسی شد. به هر حال، این کیفیات درباره پیدایش و ایجاد اولین موزه‌ها و دپارتمان‌های مردم‌شناسی نقش عمده‌ای دارند. به عنوان مثال، دپارتمان مردم‌شناسی که در سال ۱۸۷۲ میلادی (۱۲۵۱ شمسی) در استکهلم به وجود آمد بیانگر تاریخ، هنرها و مردم‌شناسی اسکاندیناوی بود. موزه مردم‌شناسی **تروکادرو** در سال ۱۸۷۸ (۱۲۲۷) با یک برنامه مردم‌شناسی برای همه کشورهای جهان در پاریس به وجود آمد. در استر-اسبورگ اولین موزه مردم‌شناسی منطقه‌ای فرانسه به نام موزه **آلزاسی** بن ۹ در سال ۱۹۰۷ (۱۲۸۶) گشایش یافت.

یافته است. از آنجائیکه در آن به موزه‌های مردم‌شناسی ایران اشاره‌ای نشده بود، لذا مطالب مربوط به این موزه‌ها نیز از کتاب بنیاد گسترش موزه در ایران، از انتشارات وزارت فرهنگ و هنر سابق، و نیز از شماره‌های ۱ و ۲ و ۳ مجله مردم‌شناسی و فرهنگ عامه ایران، از انتشارات مرکز مردم‌شناسی ایران استخراج و به آن افزوده شده است.

- ۱- سرخ‌پوستان توپئی نامیا **Indiens Topinamba**
- ۲- موزه انسان
- ۳- توه **Thevet**
- ۴- فرهنگ عامه **Folklore**

شالوده موزه‌های مردم‌شناسی دنیا را مجموعه‌های کوچکی تشکیل داده‌اند که توسط شخصیت‌های کشورهای اروپائی، مربوط به دوره رنسانس و یک قرن بعد از آن از اشیاء نادر نقاط مختلف دنیا به شیوه علمی به وجود آمده بودند. قدیمی‌ترین شیئی که از این مجموعه‌ها باقی مانده است بلاپوشی است که از پرپرندگان درست شده، به گروه سرخپوستان **توپی نامبیا** تعلق داشته و در حال حاضر در **موزه انسان** در شهر پاریس نگهداری می‌شود. این شیء توسط یک دانشمند علم هیئت به نام **توه** برای فرانسوی اول از برزیل آورده شد که در مجموعه علمی او نگهداری می‌شد. نمونه‌هایی از این قبیل، که به مجموعه‌های علمی شاهان هدیه شده بود و اکنون در موزه‌ها از آنها نگهداری می‌شود، فراوان است.

در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی تعداد موزه‌های شعبه‌های علوم گوناگون در اروپا روبه‌تزايد گذشت و این امر به تدریج به آمریکا نیز کشیده شد. در همان زمان که به دنبال گردآوری فرهنگ عامه^۴ مفاهمی چون مردم‌نگاری^۵، مردم‌شناسی^۶ و انسان‌شناسی^۷ به وجود آمد، مبحث علوم انسانی نیز گسترش یافت و دیدگاه‌های خود را دقیقاً مشخص نمود و به موازات گسترش خود، سازوبرگ موزه‌نگاری را نیز تجهیز کرد. منتها، در اوایل کار، موزه‌های مردم‌شناسی به صورت دپارتمان‌های مستقل مردم‌نگاری در بطن موزه‌های مختلط، مثل موزه‌های تاریخ طبیعی و موزه‌های تاریخ، به وجود آمدند.

این مقاله از نوشته ژرژ هانری ریویر **Georges-Henri Rivière** که در کتاب کلیات مردم‌شناسی **Ethnologie Générale** چاپ شده است، ترجمه و اقتباس گردیده است. این کتاب در سال ۱۹۸۱ توسط انتشارات گالیمار **Gallimard** در مجموعه دایرة المعارف پلیاد **Encyclopédie de la Pléiade** انتشار

در قاره آمریکا، در همین زمانها، اولین مجموعه‌های مردم‌شناسی منعکس‌کننده شرایط ویژه‌ای هستند. در کشورهای که دارای سابقه زیست اقوام سرخ پوست می‌باشند، بخصوص در ایالات متحده آمریکا، تأکید موزه‌های مردم‌شناسی بر گذشته این گروه‌های قومی و بقایای آثار پس از مرگ آنهاست. منتها ذکر این مطلب ضروری است که در آمریکا شیوه عرضه اشیاء مردم‌شناسی در ارتباط با اهدافی است که مورد نظر است و نظر-گاههای مجموعه‌های مردم‌شناسی در رابطه با این اهداف تغییر پیدا می‌کنند و این ویژگیها را با نوعی نمایشگری کم و بیش متراکم از دیگر فرهنگهای ابتدائی، در پرده‌ای از قصور و اهمال، می‌آمیزند. اگر در شرایط خاصی از زبان و مکان مسئله‌ای بدنام سرخ‌پوستان مطرح شود، همه توجه معطوف به این قضیه میگردد و در دوره‌ای که مسئله سیاهان آمریکا به گونه‌ای حاد بروز می‌کند، مجموعه‌های مردم‌شناسی در این زمینه گسترش بیشتری می‌یابند و نمونه آن نشان دادن فرهنگهای آفریقائی-آمریکائی است. با چنین دیدگاهی است که در نیویورک با گشایش موزه تاریخ طبیعی^{۱۱} در سال ۱۸۷۴ (۱۲۵۳)، اهمیت خاصی به بخش‌های مردم‌شناسی عمومی (که جوامع مختلف دنیا را مطرح می‌کند) و مردم‌شناسی منطقه‌ای (که کشور یا منطقه بخصوصی را معرفی می‌نماید) داده می‌شود. در ریو دو ژانیرو موزه ملی^{۱۲} افتتاح می‌شود که در آن مجموعه‌های مردم‌شناسی برزیل، در کنار مجموعه‌های باستانشناسی و علوم طبیعی همین کشور به نمایش گذاشته شده و اهمیت خاصی به آن داده می‌شود.

۲- در بین دو جنگ جهانی، دومین مرحله این خط ترقی با جنبش استقلال‌طلبانه پاره‌ای از کشورهای اروپائی در این قاره ظاهر می‌شود. در کشورهای به استقلال رسیده، مجموعه‌های عمومی مردم‌شناسی بنیاد گذاشته می‌شوند، و اگر این مجموعه‌ها در دوره گذشته وجود داشته‌اند، آنها را با روشی نوین و علمی مطابق با نیازهای انقلابی و آموزشی جامعه در یک گروه متمرکز میکنند که یکی از آنها موزه مردم‌نگاری لئونه^{۱۴} در شهر ریگا^{۱۵} است. امپراطوری روس در اثر انقلاب اکتبر جای خود را به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی میدهد. و در اثر این دگرگونی، تأثیر همزمانی مارکسیسم و سیاست ناشی از آن روی موزه‌های مردم‌شناسی منطقه‌ای آن مشهود میگردد. اثر تسلط ناسیونال سوسیالیستها بر نژادگرایی در آلمان، در زمینه موزه‌های مردم‌شناسی منطقه‌ای آلمان نیز به خوبی خود را نشان می‌دهد. همه این موارد تجربه‌هایی طولانی هستند که موزه‌ها و بخصوص موزه‌های مردم‌شناسی پشت سر گذاشته‌اند. در فرانسه، موزه مردم‌شناسی تروکادرو در سال ۱۹۲۷ (۱۳۰۶ ش) به موزه تاریخ طبیعی این کشور وابسته می‌شود و از همان اولین گامهای بازسازی خود اقدام به گسترش میکند و در سال ۱۹۳۸ (۱۳۱۷ ش) عنوان موزه دولوم^{۱۶} را به خود می‌گیرد و از این تاریخ به مؤسسه مردم‌شناسی دانشگاه پاریس^{۱۷} وابسته میشود و به صورت یک نهاد دانشگاهی در می‌آید. در همان سال موزه هنرها و سنن عامیانه^{۱۸} در پاریس افتتاح میشود که به طور اختصاصی اختصاص به بحث مردم‌شناسی فرانسه دارد.

با فرا رسیدن قرن بیستم، مجموعه‌های مردم‌شناسی گسترش و پیشرفت خود را در آمریکا و اروپا دنبال می‌کنند و نمونه‌هایی در سایر نقاط دیگر جهان نیز ظاهر میشوند. در این خط ترقی، سه مرحله را می‌توان از هم تمایز کرد:

۱- تا جنگ جهانی اول، در آمریکا و اروپا در خطوط تحولات این مجموعه‌ها تغییرات ناچیزی صورت می‌گیرد، و اگر تغییرات عمده‌ای نیز مشاهده می‌شود، آثار نوعی شتابزدگی و گستردگی بدون پایه و اساس در آنها به چشم می‌خورد. در چنین شرایطی است که موزه تاریخ طبیعی^{۱۱} واشنگتن در سال ۱۹۱۱ (۱۲۹۰) به یاری انستیتو اسمیتسونیان^{۱۳}، که در همین شهر در سال ۱۸۴۶ (۱۲۲۵) بنیاد گذاشته شده است، افتتاح می‌شود و بیشترین توجه مجموعه‌های مردم‌شناسی این موزه بر آمریکای سرخ پوستی است.

- ۵- مردم‌نگاری Ethnographie
 ۶- مردم‌شناسی Ethnologie
 ۷- انسانشناسی Anthropologie
 ۸- موزه مردم‌نگاری تروکادرو Musée d'Ethnographie du Trocadéro
 ۹- موزه آلزاسیین Musée Alsacien
 ۱۰- موزه تاریخ طبیعی Museum of Natural History
 ۱۱- موزه ملی Museu Nacional
 ۱۲- موزه تاریخ طبیعی Museum of Natural History
 ۱۳- انستیتو اسمیتسونیان Smithsonian Institution
 ۱۴- موزه مردم‌نگاری لئونه Musée d'Ethnographie Lettonne
 ۱۵- ریگا Riga
 ۱۶- موزه دولوم Musée de l'Homme
 ۱۷- مؤسسه مردم‌شناسی دانشگاه پاریس Institut d'Ethnologie de l'Université de Paris

۳- مرحله سوم این خط ترقی، در درجه اول در اروپا با پیدایش جمهوری‌های شرقی نمایان می‌شود. از آنجائیکه در این کشورها بین مردم‌شناسی و تاریخ همبستگی‌های مستقیم‌تری به وجود می‌آید و این همبستگی سعی به یگانگی کردن این دو علم دارد، لذا موزه‌های مردم‌شناسی منطقه‌ای این کشورها دارای امتیازات بیشتری از نظر تاریخ تکامل انسان هستند.

در واشنگتن، مردم‌شناسی سفیدپوستان وارد صحنه می‌شود و مردم‌شناسی آفریقا-آمریکا نیز مطرح می‌گردد و مهمترین موزه آن یعنی موزه تاریخ و تکنولوژی^{۱۹} در سال ۱۹۶۴ (ش ۱۳۴۳) افتتاح می‌شود که آنهم شاخه دیگری از مؤسسه اسمیتسونیان است.

سوج جنبش‌های آزادیخواهی و استقلال‌طلبی و انهدام استعمارگری و استعمارگرایی قاره‌های آسیا و آفریقا را در بر می‌گیرد و اثرات آن به دلیل زیر، در موزه‌های مردم‌شناسی و علم مردم‌شناسی منعکس می‌شود. کشورهای آزاد شده با مشکلات متعددی که ناشی از یک نقطه عطف در تاریخ اجتماعی و سیاسی و اقتصادی آنها، یعنی مرحله گذار از استعمار و وابستگی به استقلال و آزادی است روبرو می‌شوند. این کشورها با مشکلات کمبود یا ناکافی و حتی نادر بودن کارشناسان، ابزار فنی، امکانات مالی و شناخت کافی از جامعه مواجه می‌گردند. عده کثیری راه حل اساسی برای برطرف کردن این مشکلات را یاری گرفتن از علم مردم‌شناسی می‌دانند و معتقدند که از آنجائیکه رهروان این علم مطابق با روش و شیئی خاصی که دارند، دقیقاً با کل فرهنگ جامعه آشنا هستند، می‌توانند راه - حل‌های قاطع و مناسبی در اختیار برنامه‌ریزان بگذارند. اما عده‌ای دیگر در اثر پیشداوری‌هایی که در مورد این علم دارند، معتقدند که این علم فقط روی گذشته کراحت‌بار تحقیق کرده است و آنرا برای حل مشکلات مناسب نمی‌دانند.

در ایالات متحده آمریکا برای اولین بار و بعدها با بوجود آمدن موزه هنرهای آفریقا و اقیانوسیه^{۲۰} در پاریس و بطور کلی در غرب اروپا، به هنرهای ابتدائی اهمیت خاصی داده می‌شود و سعی بر آن است که ارزش والائی برای این هنرها قائل شوند. موزه‌های مردم‌شناسی و موزه‌های هنرها بهترین و کوشاترین مکان برای به تحقق رساندن این هدف هستند. موزه‌های مردم‌شناسی با به نمایش گذاشتن اشیاء مربوط به زندگی مردم به اصطلاح ابتدائی، علاوه بر نشان دادن جنبه‌های گوناگون فنون، کارکردها و رابطه‌ای که با حیات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

این مردم دارند، به جنبه‌های هنری آنها نیز اعتباری دوباره می‌بخشند و موزه‌های هنرها این هنرهای ابتدائی را در ارتباط با یکدیگر به نمایش می‌گذارند و آنها را با هم تلفیق می‌کنند.

بعد از ۱۹۵۹ (ش ۱۳۳۸) به درخواست مرکز مشاوره بین‌المللی موزه‌ها (ایکوم Icome) برای اولین بار موزه‌های مردم‌شناسی کشورهای مختلف دنیا به گرد یک برنامه مشترک، که توسط یونسکو حمایت می‌شد، گرد آمدند و برنامه خود را در سطح جهان هماهنگ نمودند.

در ایران سابقه مجموعه‌های مردم‌شناسی از سال ۱۳۱۴ شروع می‌شود. در آن زمان دایره‌ای به نام انسان‌شناسی در اداره کل عتیقات^{۲۱} وابسته به وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه^{۲۲} وجود داشت که بعدها با مشاوره فرهنگستان ایران به مؤسسه انسان‌شناسی، سپس بنگاه مردم‌شناسی و سرانجام به موزه مردم‌شناسی تغییر نام یافت.

موزه مذکور در سال ۱۳۱۴ بنیاد گردید و محل آن ساختمانی در خیابان بوعلی (ارامنه سابق) بود و آثار گردآوری شده به این ساختمان انتقال داده شد و به تدریج حالت موزه به خود گرفت. در آبان سال ۱۳۱۶ اساسنامه آن تحت عنوان مؤسسه مردم‌شناسی در هفت ماده تنظیم و تصویب شد و در همان سال گشایش یافت. در اساسنامه، برای این مؤسسه دوشعبه نژاد-شناسی و توده‌شناسی در نظر گرفته شد که هر کدام دارای سه قسمت جداگانه به نامهای ۱- موزه و کتابخانه ۲- انجمن مشاوره علمی برای تحقیق و بررسی در اشیاء و آثار ۳- تعلیمات و انتشارات بودند. به طوریکه از این اساسنامه بر می‌آید کار پژوهش و گردآوری نیز به عهده این مؤسسه بود که دنبال نشد و بعدها با تحویل موزه به وزارت فرهنگ و هنر، پژوهش در امر مردم‌شناسی از برنامه آن حذف و به مرکز مردم‌شناسی ایران که یکی از واحدهای پژوهشی وزارت فرهنگ و آموزش عالی است محول گردید.

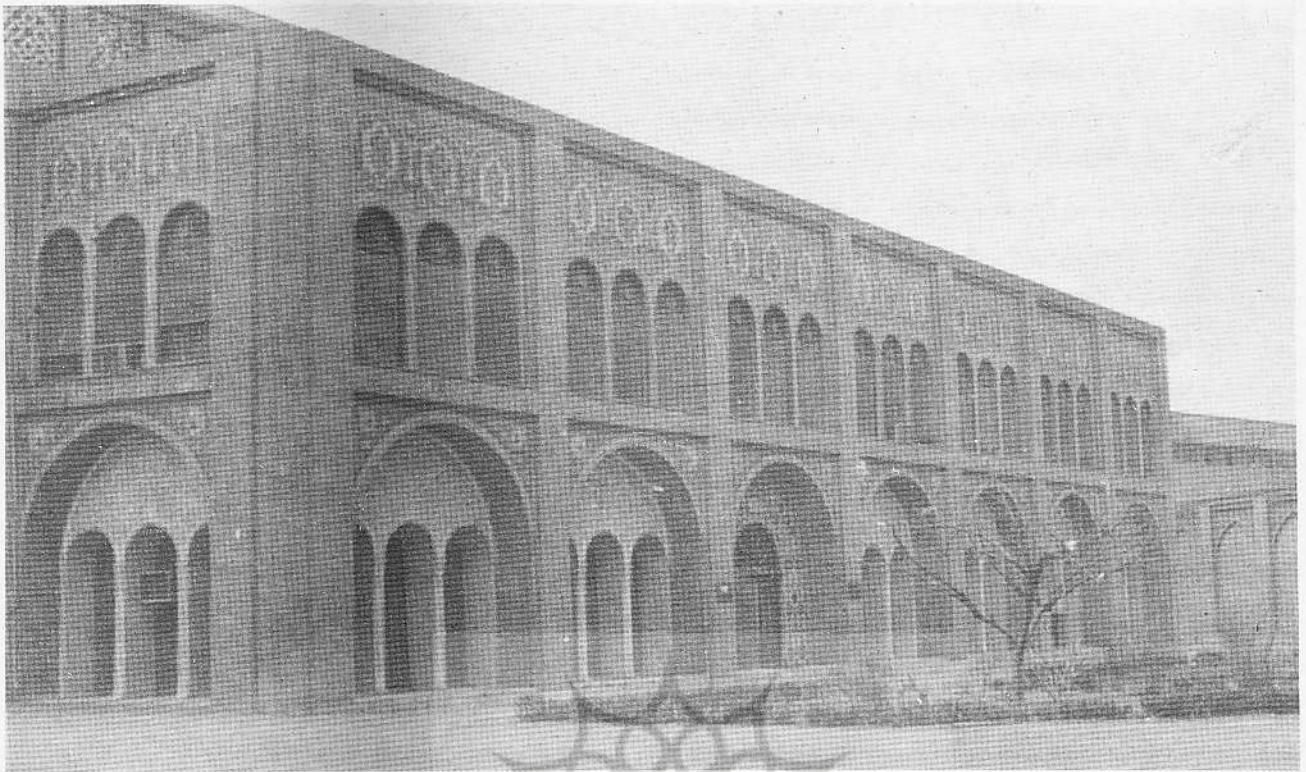
۱۸- موزه هنرها و سنن عامیانه Musée des Arts et Traditions Populaires

۱۹- موزه تاریخ و تکنولوژی Museum of History and Technology

۲۰- موزه هنرهای آفریقا و اقیانوسیه Musée des Arts d'Afrique et Océanie

۲۱- مرکز باستانشناسی ایران

۲۲- معارف تبدیل به وزارت آموزش و پرورش، اوقاف تبدیل به سازمان اوقاف و صنایع مستظرفه تبدیل به وزارت فرهنگ و هنر شد.



نمای خارجی موزه مردم‌شناسی — تهران

در سال ۱۳۴۷ موزه مردم‌شناسی از محل سابق به کاخ ابیض؛ واقع در مجموعه کاخ گلستان، انتقال داده شد که دارای کارگاه‌های خیاطی، عکاسی، مجسمه‌سازی، نجاری و نیز دارای یک کتابخانه، قرائت‌خانه، سالن سخنرانی و چهل و هفت غرفه، مربوط به آثار گردآوری شده از سرتاسر ایران است که به شیوه موضوعی طبقه‌بندی شده‌اند.

علاوه بر موزه مردم‌شناسی تهران که همه سطح کشور را از نظر مردم‌نگاری زیر پوشش خود دارد، موزه‌های مردم‌نگاری منطقه‌ای نیز در نقاط مختلف کشور تأسیس شده است که اختصاص به نمایش پدیده‌های مادی و معنوی همان منطقه دارد و اکثراً در قالب موزه‌های مختلط به‌فعالیت‌های فرهنگی خود ادامه می‌دهند که مهمترین آنها به‌ترتیب تاریخ تأسیس به شرح زیر هستند:

موزه قزوین در سال ۱۳۳۴ تأسیس شد و موزه‌ایست مختلط، مرکب از بخش‌های تاریخی و مردم‌نگاری. **موزه کاشان** موزه مختلط تاریخی و مردم‌نگاری است، اساسنامه این موزه در سال ۱۳۳۸ به تصویب رسیده است. **موزه آبادان** که دارای بخش‌های هنری، مردم‌نگاری و باستانشناسی است و در سال ۱۳۴۰

تأسیس شده است. موزه تبریز در سال ۱۳۴۱ افتتاح شد و دارای دو بخش جداگانه مردم‌نگاری و باستانشناسی است. موزه ارومیه مرکب از دو بخش تاریخی و مردم‌نگاری است و در سال ۱۳۴۶ آماده فعالیت شده است. موزه خوی موزه‌ای است مختلط، مرکب از قسمت‌های تاریخی، باستانشناسی و مردم‌نگاری که در سال ۱۳۴۸ آغاز به کار کرده است. موزه رشت دارای دو بخش مردم‌نگاری و باستانشناسی است که در سال ۱۳۴۹ افتتاح شده است. در مجموعه بزرگ آثار معماری گنجعلی‌خان در شهر کرمان، حمام آن به دلیل معماری خاصی که دارد اختصاص به موزه‌ای داده شد که نشان‌دهنده فضای سنتی حمام‌های منطقه باشد و به نام **موزه حمام گنجعلی‌خان** نامیده شد و در سال ۱۳۵۰ تأسیس یافت. و بالاخره در سال ۱۳۵۴ موزه سنج بر پایه اولین نمایشگاه مردم‌شناسی که در سال ۱۳۵۳ توسط محققان مرکز مردم‌شناسی ایران به نام نمایشگاه مردم‌شناسی کردستان در شهر سنج برپا شد، افتتاح گردید.

بعد از انقلاب اسلامی ایران، تصمیم گرفته شد بر بنیاد اشیاء ۱۳۴ نمایشگاه مردم‌شناسی منطقه‌ای و روستایی که توسط کارشناسان مرکز مردم‌شناسی در سرتاسر ایران، ضمن تحقیق و

بررسی، تشکیل شده بود، موزه آموزشی-پژوهشی مردم‌شناسی در یکی از کاخهای مجموعه سعدآباد به وجود آید. طرح آن در آبان ماه ۱۳۵۹ تصویب شد و در آذر ماه همان سال یکی از کاخها در اختیار هیئت کارشناسان مرکز مردم‌شناسی قرارگرفت که بتدریج این موزه آماده خواهد شد.

انواع موزه‌های مردم‌شناسی

هدف کلی موزه‌های مردم‌شناسی، در حال حاضر، گردآوری و ثبت و ضبط نشانه‌های فرهنگی جوامع سنتی است که این جوامع اغلب در یورش انقلاب صنعتی و یا در اثر استعمار فرهنگی، سیاسی و اقتصادی از قرن نوزدهم به این سو منهدم شده، یا در حال انهدام هستند.

ایکوم بر مبنای روند تحولی موزه‌های مردم‌شناسی، آنها را در کمیته مردم‌شناسی خود به سه نوع تقسیم کرده است:

- ۱- موزه‌های مردم‌شناسی عمومی یا عام، که قسمتی و یا همه دنیا را در بر میگیرد.
- ۲- موزه‌های مردم‌شناسی منطقه‌ای، که یک کشور و یا بخشی از یک کشور را شامل می‌شود.
- ۳- موزه‌های مردم‌شناسی بدون سقف یا هوای آزاد، که نمونه کامل یک فرهنگ و یا بخشهایی از آن را به طریق زنده به نمایش در می‌آورد. به این تقسیمات، موزه‌های مختلط و نیز موزه‌های تخصصی که مردم‌شناسان برپا میکنند افزوده می‌شود.

موزه‌های مردم‌شناسی عام

از مدتها پیش، یعنی از موقعی که نقاط مختلف دنیا مثل اروپا و آمریکای شمالی تحت استیلای مستقیم انقلاب صنعتی قرار گرفتند، از این نوع موزه‌ها نیز در این مناطق به صورت پراکنده بوجود آمدند. در آسیا فقط دو نمونه از آنها میشناسیم، یکی در ژاپن در شهر تانزه^{۲۳} و دیگری در اسرائیل در شهر حیفا^{۲۴}. نمونه کوچکی هم از این نوع موزه‌ها در استرالیا وجود دارد. در آمریکای لاتین و در آفریقا از این نوع موزه‌های مردم‌شناسی عام که اشیائی از همه کشورهای جهان را در خود داشته باشند، نمی‌شناسیم.

هر چند که هدف از بنیاد این موزه‌ها، گردآوری نشانه‌های فرهنگهای سنتی از تمام دنیا بوده است، ولی مدارک و نشانه‌های

فرهنگی گرد آمده اکثراً به آفریقای سیاه، آمریکای سرخ پوستی و اقیانوسیه مربوط میشوند. و از فرهنگهای آسیائی و آفریقای شمالی و بخصوص از فرهنگ اروپا به ندرت اشیاء و مدارکی نشان داده شده است. دلیل این امر چندان روشن نیست ولی نشانه‌هایی وجود دارد. فرهنگ باصطلاح مترقی، انقلاب صنعتی، کار و تولید زنجیره‌ای، تولید اضافی، استعمار، مردم‌شناسان و علم مردم‌شناسی، همه از کشورهای کوچک و پیشرفته اروپائی بوجود آمدند، و در مقابل فرهنگ باصطلاح ابتدائی، مواد اولیه و خام برای صنعت، نیروی کار ارزان و حتی مجانی، بازار مناسب برای تولید اضافی، عقب ماندگی در تمام ابعاد زندگی، گروههای قومی و قبیله‌ای و فرهنگهای سنتی و حتی فسیلهای مجمله‌های انسانهای اولیه، همه و همه اینها اغلب در قاره‌های بزرگی چون استرالیا، آفریقا و آمریکا وجود دارند. شاید نشانه‌ها چندان گویا نباشند ولی به هر حال میتوان خطی ارتباطی بین آنها پیدا کرد و به نتایجی رسید. به هر حال اشیاء همین موزه‌ها بیانگر تفوق فرهنگ‌هایی است که در مقایسه با فرهنگهای باصطلاح پیش رفته، ابتدائی نام گرفته‌اند. با مطالعه همین فرهنگهای باصطلاح ابتدائی بسیاری از معضلات تاریخ تکامل فرهنگ بشر در ابعاد گوناگون آن حل شده است. و سرانجام از طریق مطالعه همین فرهنگهاست که برتری آنها نسبت به فرهنگهای استعماری پیشرفته ادراک می‌شود. این برتری فرهنگهای ابتدائی در درجه اول بگونه‌ای احساسی از طریق مطالعه ساده و دیدن اشیاء به بیننده القاء می‌شود. این نشانه‌های فرهنگی در عین حال که به لحاظ زمان، شرایط و چگونگی پیدایششان برای بیننده پر رمز و راز می‌نمایند، گویای مراحل شکل‌گیری اندیشه و خرد در این فرهنگها نیز هستند. در درجه دوم برخورد علمی و اندیشمندانه با اشیاء است، بیننده از طریق آن به این واقعیت پی می‌برد که این فرهنگها بیانگر مراحل کهن از بشریت هستند و درک این مراحل و ریشه‌های کهن به تعالی اندیشه و فرهنگ انسانی کمک شایانی می‌نماید.

انتقادات و سخنها و نظریات گوناگونی در زمینه موزه‌های مردم‌شناسی وجود دارد. به نظر عده‌ای، موزه‌های مردم‌شناسی فرهنگهای تحول یافته را در خود محبوس نموده و موجب متروک ماندن آنها میشوند. عده‌ای معتقدند که همین موزه‌های

۲۳- تانزه Tenzé

۲۴- حیفا Haifa

مردم‌شناسی هستند که تا اندازه زیادی به حفظ نشانه‌های مادی و معنوی این فرهنگها کمک میکنند. سایر علوم، چه علوم انسانی و چه علوم دقیقه، با مطالعه روی این نشانه‌ها، قادر خواهند شد شیوه پیدایش آنها را در ارتباط با نیازهای انسان در مصاف با طبیعت بیابند و در صورت لزوم، با در نظر گرفتن شرایط افزون کنند.

موزه‌های مردم‌شناسی عام، معمولاً، ماقبل تاریخ و در مورد آمریکا، آمریکای قبل از کلمب را اساس کار خود قرار داده‌اند و غالباً انسانشناسی جسمانی سرآغاز فعالیت آنها بوده است.

پذیرش آمریکای قبل از کلمب، به‌عنوان اساس کار، با اوائل آمریکائیسیم پیوند می‌خورد. آمریکائیسیم را نوعی روش علمی می‌دانند که در گذشته (و شاید هنوز هم جسته و گریخته) به‌وسیله باستانشناسان طبیعت‌گرا، که اهم تحقیقاتشان روی فرهنگهای زنده و یا منهدم شده قبایل سرخ پوست آمریکا متمرکز بود، بکار گرفته میشد. این روش علمی خارج از قلمرو و اقتدار و حتی نفع باستانشناسی کلاسیک، که به‌سوی تمدن غربی تغییر جهت میدهد، قرار دارد.

توجهی که برای پذیرش ماقبل تاریخ، به‌عنوان اساس کار میشود، اینست که این علم دارای نکات و نظرگاههای متعددی است که در مقایسه با علم مردم‌شناسی، در یک جهت هستند و بخصوص در فضای فرهنگهای ابتدائی، موضوع علم باستانشناسی و علم مردم‌شناسی، از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند. از آنجائیکه آثار فرهنگی و بازمانده‌های انسانی این اقوام و فرهنگهای ابتدائی در توده مواد معدنی مخلوط شده است، لذا ماقبل تاریخ سبب پیدایش مردم‌شناسی جسمانی گردیده و آنرا نیز یدک کشیده است.

همین خطوط موجود بین مردم‌شناسی، ماقبل تاریخ و انسانشناسی جسمانی هرکدام بنویه خود، بیانگر علت بوجود آمدن مجموعه‌های مردم‌شناسی از طریق موزه‌های علوم طبیعی هستند. رابطه بین مردم‌شناسی ماقبل تاریخ و انسانشناسی جسمانی از طریق موزه‌های علوم طبیعی از ایالات متحده شروع شده و این امر در سال ۱۹۲۸ (۱۳۰۷ ش) در پاریس به تجربه گذاشته شد. مردم‌شناسی، ماقبل تاریخ و علوم طبیعی در ایالات متحده باز هم به هم نزدیکتر هستند و از طریق علوم دقیقه و فنون صنعت پیوستگی بیشتری با هم می‌یابند. برای نمونه فقط به ذکر نام موزه **بوفالو**^{۲۵} در شهر اوهایو اشاره میشود.

در شهر لنینگراد یک موزه مردم‌نگاری و انسانشناسی وجود دارد که وابسته به آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی است و از آن تغذیه میشود.

رقیب موزه‌های **ارمیٹاژ**^{۲۶} و **لوور**^{۲۷}، از نظر گسترش، تجمل و کثرت مجموعه‌های هنری و تاریخی، بریتیش میوزیوم^{۲۸} است که با در نظر گرفتن مساحت و امکاناتی که در اختیار دارد دارای موقعیتی منحصر به فرد بوده و دارای یک دپارتمان مجهز مردم‌شناسی است.

موزه‌های مردم‌شناسی منطقه‌ای

چنانکه گفته شد، قلمرو فعالیت‌های موزه‌های مردم‌شناسی منطقه‌ای به‌نمایش گذاشتن نشانه‌های سنتی و قومی یک کشور و یا منطقه‌ای از آن است. هدف اصلی از تشکیل این موزه‌ها شناساندن ارزشهای اقتصادی، اجتماعی، فنی و فرهنگی این نشانه‌ها و اشیاء و نمادها به‌مردمی است که آنها را بکار می‌گرفته‌اند و میگیرند. این موزه‌ها همچنین فعالیت‌های معنوی و مادی زندگی را با به‌نمایش گذاشتن اشیاء و ابزار گوناگون و توضیح اهمیت آنها در تکامل فنون تولیدی و رابطه‌ای که با تعالی فرهنگ معنوی دارد بیان می‌کند.

موزه‌های مردم‌شناسی منطقه‌ای که نشانه‌های سنتی و قومی فرهنگ مادی و معنوی یک کشور را در بر میگیرند، در اروپا مورد توجه خاص هستند و به‌بهترین وجهی شکل گرفته‌اند. مهمترین آنها، به‌جز موزه‌هایی که در شهر پاریس هستند و قبلاً نیز راجع به آنها صحبت شد، موزه‌های شهرهای **بال**^{۲۹}، **لنینگراد**، **رم**، **آرنم**^{۳۰} (که بر مبنای یک موزه هوای آزاد بنیاد گذاشته شد)، **مادرید**، و چند موزه دیگر است. انگلیس نیز از مدتها پیش طرح‌هایی از این قبیل در مد نظر داشته و پاره‌ای از آنها را اجرا کرده است. از این نوع موزه‌ها نمونه کوچکی نیز در شهر **توکیو** وجود داشته که جای خود را به موزه بزرگ آزمایشگاهی داده است. به‌عنوان مهمترین موزه مردم‌شناسی منطقه‌ای که منطقه معینی از یک کشور را زیر پوشش دارد میتوان از موزه شهر

- ۲۵- بوفالو Buffalo
- ۲۶- ارمیٹاژ Ermitage
- ۲۷- لوور Louvre
- ۲۸- بریتیش میوزیوم British Museum
- ۲۹- بال Bâle
- ۳۰- آرنم Arnhem

موزه‌های هوای آزاد

سکونت‌گاه دهقانان، نه به معنای فقط مسکن بلکه در مجموع آن که در رابطه مستقیم با نوع معیشت و حیات فرهنگی و اجتماعی آنهاست، کاملترین، کارآمدترین و شاید زیباترین ساخته دست بشر است. همین سکونت‌گاهها بیانگر شیوه زندگی، رفتار فنی، مناسبت‌های اجتماعی، حیات معنوی و باورها و اعتقادات مذهبی انسان‌هاست که در آن به زندگی خود معنا می‌بخشند. شاید همین موضوع موجب شده است که اندیشه ایجاد موزه‌های هوای آزاد برای نشان دادن این زندگی خالص و طبیعی بوجود آید.

اولین موزه هوای آزاد عملاً در سال ۱۸۹۱ (۱۲۷۱ ش) در استکهلم به وجود آمد. این موزه شامل مجموعه‌ای واقعی از خانه‌های مردم، بخصوص خانه‌های روستائی است، منتها تبدیل به حالتی شده است که عموم مردم می‌توانند از آن بازدید کنند. تمام لوازم خانگی و وسائل تولیدی از قبیل کشاورزی، دامداری و هنرهای دستی به همان ترتیب که در زندگی مردم مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند، در آنها جای دارند. هر کدام از این خانه‌ها با تمام ملحق‌تشان تشکیل یک مجموعه را میدهند که از مجموعه دیگر بوسیله درختکاری جدا شده‌اند و در مسیر دید یکدیگر قرار ندارند.

از این نوع موزه‌ها در حال حاضر تعداد زیادی در اروپا وجود دارد که از آنجمله‌اند: موزه ساتولویی^{۳۶} در بخارست که قبل از جنگ دوم جهانی بنیاد گذاشته شده است، موزه بوکریجک^{۳۷} که در زمان همان جنگ در بلژیک ساخته شد و در برگرنده قسمت فلانماند بلژیک است. از این نوع موزه‌ها چند تائی هم در ایالات متحده و نیز در کانادا وجود دارد. همچنین در ژاپن یک موزه هوای آزاد و در آفریقا دو موزه از این نوع بنیاد گذاشته شده است.

آرل^{۳۱} نام برد که اختصاص به منطقه فرهنگی پروانس^{۳۲} در جنوب فرانسه دارد.

درباره مجموعه‌های مردم‌شناسی منطقه‌ای که موزه‌های مختلط قسمتی از فضای خود را به آن اختصاص داده‌اند قبلاً هم صحبت شد. در اروپا ارتباط آنها با تاریخ و باستانشناسی منطقه‌ای قابل توجه است، نمونه این نوع موزه‌ها زیاد است مثلاً در فرانسه در سال ۱۸۴۸ (۱۲۲۷ ش) موزه لورن^{۳۳} در شهر نانسی بوجود آمد، در سال ۱۹۲۲ (۱۳۰۱ ش) موزه باسک^{۳۴} در شهر بایون بنیاد گذاشته شد که بدون توجه به مرزهای سیاسی، مجموعه نشانه‌های فرهنگی و قومی باسک را در بر میگیرد. همچنین موزه‌ای که در برنوشهر مهم منطقه موراوی، از مناطق چکسلواکی، تأسیس شده است، یکی از موزه‌های نمونه و جدید از این نوع است.

چنانکه قبلاً هم گفته شد، در آمریکای شمالی مجموعه‌های مردم‌شناسی و باستانشناسی آمریکای سرخپوستی به موزه تاریخ طبیعی و موزه علوم ملحق می‌باشند. در آمریکای لاتین مردم‌شناسی و باستانشناسی غالباً به هم آمیخته هستند. مکزیک از ده بیست سال پیش اقدامات اساسی در این مورد کرده و مجموعه‌ای کامل و عالی برای موزه‌ای که زیر پوشش انستیتیوی ملی انسانشناسی و تاریخ قرار دارد، بوجود آورده است. این مجموعه بسیاری از موزه‌های منطقه‌ای و محلی را یا تجدید بنا کرده و یا بنیاد گذاشته است که همه آنها با یک برنامه مشترک و مختلط مردم‌شناسی و باستانشناسی ملی به پیش میروند.

در آفریقا معمولاً حالت مشترکی بین مردم‌شناسی و باستانشناسی وجود دارد که در چهارچوب منطقه‌ای تنظیم میشوند و نمونه آن نیجریه است. از سوی دیگر در آفریقای فرانسوی زبان بخصوص در داکا، که موزه‌ها شاخه‌ای از انجمن‌های فرانسوی زبان هستند، موزه‌های مردم‌شناسی با موزه‌های تاریخ طبیعی حالت مشترکی پیدا کرده‌اند.

در آسیا موزه کلکته از نظر اهمیت استثنائی که دارد مورد توجه است، زیرا این موزه موضوعات باستانشناسی، مردم‌شناسی، تاریخ و هنر را شامل می‌شود.

و سرانجام در اقیانوسیه، از بیشاب موزئوم^{۳۵} در شهر هونولولو که موزه‌ای مختلط و مهمترین موزه این بخش از جهان است، می‌توان نام برد. این موزه مسائل مربوط به مردم‌شناسی، باستانشناسی، تاریخ و تاریخ طبیعی حوزه اقیانوس کبیر را مطرح می‌سازد.

۳۱- آرل Arles

۳۲- پروانس Provence

۳۳- موزه لورن Musée Lorrain

۳۴- موزه باسک Musée Basque

۳۵- بیشاب میوزیوم Bishop Museum

۳۶- موزه ساتولویی Muzeul Satului

۳۷- بوکریجک Bokrijk

بر مبنای تعریفی که ایکوم از موزه میدهد، هدف موزه عبارت از: گردآوری، نگهداری، مطالعه و بررسی کردن و نیز به‌نمایش گذاشتن نعمات فرهنگی یا طبیعی به‌منظور آموزش، پژوهش و ارزش دادن به این مجموعه‌ها و لذت بردن از آنهاست. این تعریف به‌بهرترین وجه بیان‌کننده مشخصه پیچیده این نهاد است، و در قسمتهای زیر سعی می‌شود، نکته به‌نکته با موزه‌ها و مجموعه‌های مردم‌نگاری تطبیق داده شود.

گردآوری

آنچه مورد نظر موزه‌های مردم‌شناسی است، فرهنگهای زنده و فرهنگ‌هایی هستند که اخیراً نابود شده‌اند. در همین جهت برنامه مشخص این موزه‌ها که دسترسی به اشیاء این فرهنگها و گردآوری آنهاست، معین میگردد.

در گردآوری اشیاء، مطالب زیر را باید در نظر داشت:

۱- در درجه اول، اشیاء باید متأثر از فرهنگ مادی همان

جامعه باشند.

۲- باید طبقه‌بندی اشیاء را در رابطه با تولید، مسائل

اجتماعی، اعتقادات و مناسک مذهبی، باورها و غیره در نظر داشت.

۳- باید بتوان درباره فنون و ساخت مجدد آنها به

پژوهشگران و کارشناسان علوم مختلف کمک رساند. اشیاء منحصر به فرد که فقط از روی تفتن ساخته شده، هیچگونه کار- بردی در جامعه ندارند، نمیتوانند یک شیء مردم‌شناسی باشند.

۴- شیوه‌های مختلف استفاده از آنها، از اولین تا آخرین

کاربرد باید در نظر گرفته شود. بنابراین، نمونه یک شیئی ممکن است در طبقات مختلف جای بگیرد.

لذا مجدداً تأکید میشود که برای انتخاب اشیاء، در

درجه اول باید از معیارهای اصلی، که حالات و تأثیرات فرهنگ مادی روی آنهاست، بهره گرفت، و در درجات بعد به مشخصات هنری آنها توجه نمود.

درباره موزه‌های مردم‌شناسی، در حال حاضر، همیشه یک

مسئله اساسی مطرح است و آن کمیاب شدن روزافزون اشیاء مردم

شناسی در رابطه با از بین رفتن فرهنگهای سنتی است. همین

جاست که میتوان بطور قاطع از فوریت داشتن تحقیقات مردم-

شناسی سخن گفت. احتمال دارد که اشیاء مردم‌شناسی منهدم

یا فروخته شوند و یا اینکه بوسیله دارندگان جدیدشان تغییرات ماهوی پیداکنند. و بسیاری خطرات دیگر که این اشیاء را تهدید میکنند. پس باید فکری جدی و فوری برای این مشکل کرد. البته نباید با شتابزدگی چنان عمل شود که موزه‌ها بدون برنامه انباشته از اشیاء مکرر و بدون شناسنامه شوند، بلکه باید مناطق کوچک جغرافیائی-تاریخی تعیین نمود که در دپار- تمانهای موزه جای بگیرند. در این مناطق، در روستاهائی که دارای ویژگیهای منطقه هستند، مطالعاتی صورت پذیرد و این مشخصات از طریق ارائه اشیائی که بیانگر منطقه است، در مجموعه‌هایی که شکلهای اصلی تولید، تغییرات، لوازم خانه و اشیائی که بازگوکننده رفتار اجتماعی، عقاید، باورها، هنرهای دستی و غیره هستند، معرفی شوند.

از آنجائیکه موزه‌های مردم‌شناسی اقدام به تحقیقات و مطالعات زنده می‌کنند، لذا به موزه‌های علوم طبیعی نزدیکتر هستند. مطالعات زنده از طریق عکاسی، فیلمبرداری، ضبط صدا انجام میشود و امکان ثبت و ضبط لازم را میدهد. بنابراین در برنامه‌های موزه‌های مردم‌شناسی استفاده از روش سمعی و بصری کاملاً ضروری است و استفاده از این روش فقط از طریق داشتن افراد متخصص و وسائل و مواد لازم، انجام پذیر میباشد. برای این منظور حتی تشکیلات بین‌المللی نیز بوجود آمده است و کمیته بین‌المللی فیلمهای مردم‌شناسی که مرکز آن در موزه دولوم پاریس است، از این نوع میباشد.

نگهداری

در مورد موزه و نگهداری اشیاء قبل از هر مسئله دیگر،

سازمان دهی و شیوه اداره آن از اهمیت خاصی برخوردار است.

یعنی اینکه این اشیاء باید در محلی از طریق یک دبیرخانه

در دفاتر ثبت و در انبارها ضبط گردد. برای نگهداری آنها

اعتبار و بودجه در نظر گرفته شود. محل نگهداری آنها کاملاً

تحت نظر باشد و بسیاری مسائل دیگر از این قبیل...

بنابراین، بر عهده گرفتن صورت ریز اموال و دارائی و

ثبت آنها در دفاتر، شماره‌گذاری آنها، کنترل کردن همه روابط

داخلی و خارجی موزه، تحویل گرفتن ذخائر و ایجاد اطمینان در

روابط، گذاشتن اشیاء و مدارک در اختیار پژوهشگران از وظائف

اداری موزه است.

در مورد مواظبت، نگهداری و تعمیر اشیاء مردم‌شناسی

هنوز هم مشکلاتی وجود دارد که خاص این اشیاء است. مواد

تشکیل‌دهنده هر کدام از این اشیاء با دیگری متفاوت است و

حتی مواد مختلفی که در یک نمونه شیئی بکار رفته و آنرا شکل داده‌اند با هم تفاوت فوق‌العاده‌ای دارند، در کالبد یک شیئی پاره‌ای مواد تشکیل‌دهنده نسبت به مواد دیگر برتری دارند و مشکلاتی در امر نگهداری ایجاد میکنند، و بالاخره تعداد بیش از حد نمونه‌ها مطرح است که موجب بوجود آمدن موضوع مجموعه‌های گروهی اشیاء مشابه میشود. همه این عوامل سبب میشود که موزه‌های مردم‌شناسی نیاز شدیدی به افراد متخصص در رشته‌های گوناگون اداری و علمی و فنی داشته باشد و مواد و ابزار تخصصی برای نگهداری اشیاء تدارک ببیند. این مجموعه کادر فنی آنرا تشکیل میدهد و در بخشهای مختلف و نیز در لابراتوارهای فنی و علمی انجام وظیفه می‌نمایند.

مطالعه

موزه‌ها تنها به‌عنوان نمایشگاه اشیاء به حساب نمی‌آیند بلکه مهمترین وظیفه آنها نقشی است که به‌عنوان یک مؤسسه علمی دارند. اگر موزه‌ای همه فعالیت خود را فقط صرف گردآوری اشیاء کند، بدون آنکه برنامه‌ای برای انتشار اطلاعات گردآوری شده داشته باشد، از هدف خود به دور افتاده است. این مؤسسه هنگامی دارای نقش فعال و مثبت خواهد بود که کادر فنی آن در جهت انجام برنامه‌های تنظیم شده علمی فعالیت مشترک داشته باشند. این قاعده هنگامی از امتیازات بیشتر و مهمتر برخوردار خواهد بود که موزه‌ها در ارتباط مستقیم با «زمین تحقیق» باشند، یعنی همان حالتی که موزه‌های مردم‌نگاری دارند.

مراحل گوناگون مطالعه و عملکرد آن، به‌نوبه خود، تعیین‌کننده سیاستی است که گسترش فعالیتها و ایجاد رابطه بین همه مدارک گردآوری شده در موزه را ایجاد می‌کند. در همین رابطه است که لزوم ایجاد کتابخانه، لابراتوار عکاسی، محلی برای نمایش عکس، محلهائی برای در رابطه گذاشتن اشیاء کلیه موزه‌ها کاملاً ضروری به نظر می‌رسد. در مورد موزه‌های مردم‌شناسی، علاوه بر اینها، نیاز به یک محل صدا-برداری با وسائل خاص مثل اطاقکهای ضدصدا، استودیوی ثبت، محل‌های اداری، سالن مونتاژ و سالن نمایش فیلم هم افزوده می‌شود.

وقتی که از کارکرد علمی صحبت میشود، ناچار از انتشارات و در نتیجه، ارتباط با محققین و دانشمندان نیز سخن به میان می‌آید. محققین هرکدام به‌سهم خود، یا بصورت انفرادی و یا اگر بصورت گروهی کار میکنند از طریق همان مؤسسه‌ای که

این گروه وابسته به آن است، این امتیاز را دارند که با رعایت حق تقدم در مورد استفاده مجدد از آنها، مدارک و مقالات و سایر تحقیقات خود را به‌موزه مردم‌شناسی بدهند و همکاری پیوسته با این نهاد داشته باشند.

کارکرد مطالعه علمی خواستار تشکل و سازماندهی است و این موضوع به‌عهده کارشناسان مسلط و کار آزموده و دانشجویانی است که ذخائر و سالنهای مراجعه به اشیاء و نیز ارگانهای را که منابع موزه‌های آزمایشگاهی را به‌عهده دارند، سازمان می‌دهند. در زیر پوشش این ارگانها اقدام به تشکل دوره‌های کارآموزی برای افراد و گروه‌ها میشود. این ارتباطات، بخصوص در سطح دانشگاهها، حائز اهمیت فراوانی است و دانشجویان در کلیه امور داخلی موزه و تحقیقاتی که در روی «زمین تحقیق» انجام میشود شرکت فعالانه دارند.

به‌نمایش گذاشتن اشیاء

تفاوت اساسی که موزه‌ها با کتابخانه‌ها و یا سایر نهادهای تحقیقاتی دارند، به‌نمایش گذاشتن نتیجه فعالیتها در غرفه‌هاست و در واقع، به‌نمایش گذاشتن، کارکرد خاصی است که فقط موزه‌ها از آن برخوردار هستند.

بهترین حالت معرفی یک منطقه، یک قوم و یا یک گروه انسانی، معرفی آنها از طریق مجموعه‌های مردم‌نگاری و جغرافیا‌نگاری در چهارچوب موزه‌های مردم‌شناسی عام است. در موزه مردم‌شناسی پاریس (موزه دولوم) در رابطه با دیار تمانهای علمی آن، غرفه‌هایی برای اروپا، آسیا، آفریقای سفید و آفریقای سیاه، آمریکا و اقیانوسیه وجود دارد و مکمل آن غرفه‌هایی برای ماقبل تاریخ، انسان‌شناسی جسمانی، هنرها و فنون است. این غرفه‌ها با برنامه‌های مردم‌نگاری و جغرافیا‌نگاری، هر یک به نوبه خود به دو بخش تقسیم می‌شوند. بخش اول شامل مشخصه‌های جمعی و یکپارچه، نقشه‌های قومی و شرح‌های عمومی اشیائی است که معرف ویژگیهای خاص جمعیت همان منطقه است. در بخش دوم هرکدام از اینها به‌نوبه خود به موضوعاتی خاص تقسیم می‌شوند. روش به‌نمایش گذاشتن اشیاء از راه طبقه‌بندی آنها بر مبنای کارائی فنی و یا فنون گوناگونی که در آنها بکار گرفته شده است، به‌ندرت دیده شده است. خطر این روش، تقسیم هر یک از طبقات به شعبات فراوان است و نمونه آن موزه پیت ریورز^{۳۸} در آکسفورد است.

اگر دوره‌های تاریخی، برای معرفی و نمایش اشیاء روش کار قرار گیرد، در امر مردم‌شناسی بخصوص دشواریهای فراوانی

بوجود خواهد آورد و شاید بتوان گفت که تقسیم‌بندی اشیاء مردم‌نگاری در موزه‌های مردم‌شناسی بر مبنای دوره‌های تاریخی غیر ممکن می‌باشد. زیرا اولاً قسمت اعظم اشیائیکه این موزه‌ها از آنها نگهداری می‌کنند از نظر قدمت تاریخی حداکثر به قرن نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم مربوط می‌شوند. ثانیاً، تاریخ-گذاری برای این اشیاء بیشتر به یک دوره‌بندی اضطراری مربوط میشود تا به یک دوره اصلی تاریخی. ثالثاً، از یک قوم بزرگ به یک قوم بزرگ دیگر اختلاف آنچنان زیاد است که مشکل بتوان آنرا در یک مجموعه و در یک چهارچوب مشترک جای داد. معذالک اگر پاره‌ای از موزه‌ها چنین روشی را در پیش گرفته‌اند، شاید به این قصد بوده است که این پیشداوری را که «فرهنگهای کهن ثابت و مطلق هستند» از ذهن عامه مردم بیرون کنند و خط تکاملی این فرهنگها را در دوره‌های گوناگون تاریخی و در ارتباط با یکدیگر نشان دهند.

معرفی و نمایش اشیاء بر مبنای دوره‌های تاریخی در پاره‌ای از کشورها بخصوص در مجارستان، لهستان، چکسلواکی و ایتالیا در حال گسترده‌گی کامل است.

در موزه بروتاین^{۳۹} فرانسه غرفه‌هاییکه برپا شده‌اند به شرح زیر مورد بازدید قرار می‌گیرند: ۱- بروتاین سده‌های میانه، ۲- بروتاین رژیم قدیمی که در آن سه ردیف پی در پی پادشاهی در ارتباط با سطوح اجتماعی این دوره‌ها نمایش داده شده‌اند. ۳- بروتاین مدرن که در این قسمت تراکم تاریخی شدیدی دیده می‌شود و همین دوره به تقسیمات کوچکتری مثل موضوعات دریانوردی، فنون اکتسابی تولید و انتقال، جامه‌ها، هنرهای عامیانه، حیات فکری و غیره تقسیم می‌شوند. غرفه‌های دیگری نیز وجود دارند که اختصاص به شرائط جغرافیائی، دوره‌های بسیار قدیمی، بروتاین عصر حاضر و بروتاین آینده دارند.

در موزه آکیتن^{۴۰} در شهر بردو فرانسه، اشیاء به دو صورت همزمانی و دو زمانی به معرض نمایش گذاشته شده‌اند. در این موزه از یکسو غرفه‌هایی وجود دارد که به یاری اشیاء مردم-نگاری، توسعه تاریخی را نشان می‌دهند، و از سوی دیگر غرفه‌های خاص مردم‌شناسی است که در آنها تقسیمات اشیاء بر حسب موضوع انجام گرفته و اهمیت آنها نشان داده شده است. این غرفه‌های آخر بیشتر به اشیاء قرن نوزدهم مربوط می‌شوند.

دستورالعملی در دست آزمایش است که کیفیات و شیوه-های بهره‌برداری از طبیعت را، مطابق با شرائط صحیح زمانی، به

موضوع موزه‌ها می‌افزاید و بر طبق آن تاریخ طبیعی و توسعه تاریخی با هم آمیخته خواهند شد.

تحرک

کارکرد موزه‌های مردم‌نگاری بیشتر در جهت تعلیم و تربیت و آموزش فرهنگی است. این امر به کمک روشهای زیر انجام می‌گیرد:

۱- از طریق خود موزه و کلیه امکاناتی که در اختیار دارد، مثل غرفه‌ها، کتابخانه، سالن‌ها و گارگاههای مختلف، انتشارات و غیره.

۲- از طریق نمایشگاههای دائمی و فصلی، نمایشگاههای سیار، نمایش فیلمهای مردم‌شناسی و از این قبیل.

۳- از طریق مبادله اشیاء و مدارک و اسناد با سایر موزه‌هایی که به شیوه‌های گوناگون در یاری رساندن به این کار-کرد می‌توانند مفید باشند.

۴- از طریق کلوپ‌های مختلفی که مردم‌شناسان تشکیل می‌دهند و هدفشان گسترش علم مردم‌شناسی و آموزش آن به نسل جوان است. این کلوپ‌ها جوانان علاقمند را در کلیه برنامه‌های مطالعاتی و تحقیقاتی خود مشارکت میدهند.

پنج کارکرد موزه که به اختصار شرح آنها گذشت، یعنی گردآوری، نگهداری، مطالعه، نمایش و تحرك هرگز نمی‌توانند جداگانه و بطور مستقل عمل کنند. این پنج کارکرد باید به هم متکی باشند، با هم هماهنگ گردند و یکدیگر را در کالبد و روح مؤسسه تأیید و تأکید کنند.

کالبد مؤسسه همان ساختمان مؤسسه است که این کار کردها به اقتضای فضاهای نسبی، چرخش راحت و میزان جائی که در این کالبد اشغال می‌کنند، خود را می‌نمایانند.

روح مؤسسه، همان ایده ثابت و هدف است که از زمین به لابر اتوار، از لابر اتوار به غرفه، از اطلاع دهنده به پژوهشگر، از پژوهشگر به بازدیدکننده منتقل می‌شود و کلیه اطلاعات گردآوری و آزموده شده در این روح را پرتوافکن می‌کند. خلاصه اینکه، در موزه‌های انسان‌شناسی و مردم‌شناسی، انسان، در نهایت امر، آنچه را بطور پراکنده و از اقصی نقاط جهان از انسان گرفته، یکجا به او باز می‌گرداند و به او امکان چون و چرا کردن می‌دهد.

۳۸- موزه پیت رورز Pitt Rivers Museum

۳۹- موزه بروتاین Musée de Bretagne

۴۰- موزه آکیتن Musée d'Aquitaine